



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۸/۰۳

طارق ارسلانی

پیامد های قتل ایمن الظواهری

شب گذشته رئیس جمهور امریکا، "جو بایدن"، از طریق یک پیام تلویزیونی خبر کشته شدن "ایمن الظواهری"، رهبر القاعده را در کابل اطلاع داد. با آنکه شاهدان عینی در روز یکشنبه از وقوع انفجارات در ساحه شیرپور و دهمزنگ کابل اطلاع داده بودند ولی مقامات طالبان طبق معمول با کم اهمیت جلوه دادن این انفجارات آنرا ناشی از اصابت راکت در یک خانه غیر مسکونی قلمداد کردند. بعضی از مقامات حکومت قبلی در تبصره های خود انفجارات کابل را ناشی از حمله طیارات بدون سرنشین (درون) دانستند، ولی تا پیام تلویزیونی "جو بایدن" بدرستی واضح نبود که این حملات از جانب کدام کشور یا گروه و برای چی هدفی صورت گرفته است. مختصراً ذکر شود که "ایمن الظواهری" در سالهای ۱۹۶۰ از اعضای برجسته گروه افراطی شبه نظامی "الجهاد" مصر بود که "خالد اسلامبولی" از اعضای همین گروه رئیس جمهور وقت مصر، "انور السادات"، را بقتل رساند. "الظواهری" مدتی را در زندان سپری نمود و بعداً سالهای متمادی متواری بود تا آنکه سر و کله اش در افغانستان ظاهر شد و بعد از آنکه "اسامه بن لادن" شبکه القاعده را تأسیس نمود، "الظواهری" نیز در موقعیت فرد دوم عضویت این گروه را حاصل نمود. بعد از حوادث یازدهم سپتامبر دولت امریکا جنگ را علیه گروه القاعده اعلان نمود که در نتیجه فشار های دوامدار نظامی امریکا این گروه متحمل تلافات شدید در افغانستان و عراق گردید تا جائیکه در سالیان اخیر قابلیت رزمی خود را قسمی از دست داده بود. بعد از قتل "اسامه بن لادن" در "ایبیت آباد" پاکستان، "ایمن الظواهری" تا هنگام مرگ نقش رهبری القاعده را بدوش داشت، اما "الظواهری" نتوانست تا آن هیبت و دهشت گذشته را احیا و شبکه متلاشی شده القاعده را دوباره انسجام دهد. با آنچه گفته آمدیم میتوان پیشبینی نمود که مرگ "ایمن الظواهری" کدام تأثیر مستقیم سیاسی و نظامی در قبال نخواهد داشت ولی تأثیرات غیر مستقیم آنرا میتوان در ذیل برشمرد:

- حمله بر مخیفگاه "ایمن الظواهری" فقط دو روز بعد از کنفرانس بین المللی تاشکند بوقوع پیوست. در نشست تاشکند در کنار وعده سرمایه گذاری های اقتصادی، پیشنهاد تعامل با طالبان صورت گرفت و از دولت امریکا نیز تقاضا گردید تا پولهای منجمد شده افغانستان را دوباره آزاد سازد. مقامات طالبان از این نشست بسیار راضی برگشتند و تعامل کشور های شرکت کننده را بگونه برسمیت شناختن "غیر مستقیم" امارت خود تلقی نمودند. امریکا از آغاز مخالف برسمیت شناختن امارت طالبان توسط کشورهای جهان است. قتل "الظواهری" در داخل ساحه مصئون شهر کابل مطمئناً که کشورهای "علاقمند" را متوجه تجدید نظر در "تعامل" با طالبان خواهد ساخت.

- با آنکه بعضی از مواد توافق نامه "دوحه" میان طالبان و دولت امریکا سیری باقیمانده است، اما چنانیکه نشرات معتبر جهان افشا نمودند و شخص "پامپیو"، وزیر خارجه وقت امریکا نیز اعتراف نمود، طالبان در "دوحه" توافق نموده اند تا در مبارزه با گروه های دهشت افکن با امریکا همکاری نمایند؛ طالبان همچنان تعهد نموده اند که ارتباطات خود را با گروه های دشت افکن بشمول القاعده قطع نمایند. در این یکسال حاکمیت، هر زمانی که طالبان با مقامات امریکائی رفع تحریمات و موضوع پولهای منجمد شده افغانستان اعتراض مینمایند، مقامات امریکائی طالبان را به نقض توافق نامه "دوحه" متهم مینمایند و از آزاد ساختن پولهای افغانستان طرفه میروند. بالمقابل طالبان هربار با اصرار و اطمینان هر نوع ادعای ارتباط با القاعده و دیگر گروه های دشت افکن را رد میکنند. قتل "الظواهری" در شهر کابل ثبوت نقض تعهدات "دوحه" را بر خ طالبان کشید و برای شان گوشزد نمود تا منبعده به تعهدات خود پایند باشند.

- چنانیکه در فوق ذکر گردید یکی از مواد توافقنامه دوحه همکاری طالبان با امریکا در مبارزه با تروریسم است. اینکه آیا در قتل "الظواهری" چنین همکاری میان طالبان (یا بعضی از حلقات طالبان) و امریکا صورت گرفته

باشد، شک و شبهه را میان طالبان بوجود خواهد آورد و هر گروه طالبان گروه دیگر را مظنون و عامل همکاری با امریکا خواهد دانست. این ترس و سوء ضن صفوف متحد طالبان را در هم خواهد شکست.

- "الظواهری" بیعت خود را به امیرالمؤمنین طالبان اعلان نموده بود. بیعت متضمن مصونیت برای فرد بیعت کننده است. افراد توسط بیعت به امیر سوگند وفاداری یاد میکنند و امیر در مقابل برای بیعت کننده ضمانت مصونیتی میدهد. اگر امیر قادر به فراهم نمودن مصونیت نباشد، بیعت مفهوم نخواهد داشت. در قضیه "الظواهری" طالبان واضحاً نتوانستند به عهد خود وفا کنند و مصونیت تعهد شده را برایش فراهم نمایند. مسأله "عدم مصونیت" مطمئناً که سوالاتی را در میان افراد طالبان خلق خواهد کرد و عده از افراد به این بهانه از صف طالبان جدا و به گروه های دیگری چون داعش خواهند پیوست.

- قتل "الظواهری" نشه پیروزی را از سر طالبان بیرون کشید و طالبان را متوجه گردانید که اگر میدان بدست طالبان است، بازی هنوز هم بدست امریکا است؛ و هر زمانی که امریکا بخواهد میتواند هر فردی را در هر نقطه مورد هدف قرار دهد.

- آنچه برای طالبان بیشتر تشویش برانگیز خواهد بود اینکه: طیارات بدون سرنشین قابلیت پرواز طولانی را ندارند حال آنکه نزدیکترین پایگاه نظامی امریکا به افغانستان در "کویت" به فاصله قریب ۳۰۰۰ کیلومتر و "دوحه" به فاصله ۳۶۰۰ کیلومتر موقعیت دارند. گذشته از آن محال خواهد بود که طیارات بدون سرنشین امریکائی آزادانه از فضای کشور ایران عبور نمایند؛ پس یک احتمال وجود دارد و آن اینکه حامی و دوست دیرینه طالبان (پاکستان) قرارگاه های نظامی خود را جهت استفاده علیه طالبان در اختیار امریکا قرار داده باشد. پاکستان با تورم بیسابقه اقتصادی مواجه است؛ هفته قبل لوی درستیز پاکستان جهت گفتگو با مقامات امریکائی و دریافت قرضه از IMF به واشنگتن سفر نمود. قتل "الظواهری" این حدس را تقویت میبخشد که امریکا و پاکستان جهت دریافت قرضه به توافقاتی رسیده باشند.

- حمله طیارات بدون سرنشین امریکائی در داخل قلمرو افغانستان به کشورهای همسایه نیز این جرأت را خواهد داد تا در آینده دست به عمل مشابه زنند. در میان همسایه های افغانستان، ایران از تکنالوژی پیشرفته "درون" برخوردار است و تا کنون چندین بار خبر درگیری میان طالبان و قوای سرحدی ایران به نشر رسیده است. جای شک نخواهد بود اگر "سیاست تفنگ" و "عدم انعطاف" طالبان بالاخره حوصله همسایه ها و جامعه جهانی را بسر آورد و دور جدیدی از حملات "طیارات بدون سرنشین" در داخل افغانستان آغاز گردد.

- بتاریخ یازدهم فیبروری سال جاری، "جو بایدن" رئیس جمهور امریکا طی یک "فرمان اجرائی" اعلان نمود که از جمله ۷ میلیارد دالر پول "د افغانستان بانک" را که در "بانک ذخیره فدرال" دولت امریکا نگهداری میگردید، مبلغ ۳.۵ میلیارد دالر آنرا به قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر اختصاص میدهد. در همان وقت طی مقاله یی مشکلات حقوقی این فرمان "جو بایدن" را بر شمردم و اظهار داشتم که: "حتی خود دولت بایدن نیز تا هنوز بدرستی تفصیل پروسه مصادره دارائی یک کشور خارجی و اعطای آن به اتباع کشور امریکا را بدرستی نمیداند." در فوق نیز ذکر گردید که در پی توافقی "دوحه" طالبان داشتن هر نوع ارتباط با القاعده را رد مینمودند. قتل "الظواهری" منحنیث ثبوت همکاری طالبان با القاعده، میتواند این حجت را به محکمه فدرالی امریکا بدهد تا مبلغ ۳.۵ میلیارد دالر پول "د افغانستان بانک" را به قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر اعطا کند. بعبارت واضحتر: ملت افغانستان ۳.۵ میلیارد دالر بهای مرگ "الظواهری" را خواهد پرداخت.

- بعد از حادثات یازدهم سپتامبر و اعلان جنگ علیه القاعده و گروه های دهشت افکن توسط امریکا و متحدین، هر یک از رؤسای جمهور امریکا سر یک "دشمن قهار" را بر دار زده اند و بدین گونه اظهار زور و صلابت نموده اند: "جورج بوش" صدام حسین و زرقاوی را بقتل رساند، "اوباما" اسامه بن لادن را، و "دونالد ترامپ" البغدادی را. از میان برداشتن دشمنانی که تهدید برای امنیت و منافع امریکا باشد طبعاً در جلب حمایت مردم از دولت مؤثر بوده است. "جو بایدن" که از پائینترین درجه محبوبیت سیاسی در داخل و خارج کشور رنج میبرد، بمشوره دوستان تن داد و خواست تا بخت خود را بیاماید تا باشد اگر مرگ دشمن رمقی در کالبد سیاسی اش دم.

در طول این یکسال طالبان در فراهم نمودن ابتدائی ترین امکانات زندگی برای ملت ناکام بوده اند. طالبان بجز وعده و وعید های میان خالی، تاکنون به هیچ یک از وعده های خود با ملت وفا نکرده اند. طالبان باید درک نموده باشند که حمله طیارات بدون سرنشین امریکائی در داخل قلمرو افغانستان نی اولین و نی هم آخرین حمله خواهد بود. حمله بر "الظواهری" باید طالبان را از برج نخوت بپائین آورده باشد و بیشتر از این از دروغ و گزافه دست برداند و صادقانه به ملت رجوع کنند نه آنکه با صدور فرمانهای پی در پی در برابر ملت گرسنه و مظلوم افغانستان و خصوصاً ضعیفترین قشر جامعه (خانمها) قدرت نمائی کنند؛ بفحوا "سنگ اگر سخت است جای شیشه سنگدان بشکند."

طارق ارسلای - ایالت ورجینیا، امریکا